

## تقابل دین و آزادی

استفاده از اصطلاحات و واژه‌ها در علوم اجتماعی یکی از حساس‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مسئله‌ای است که اندیشمندان و محققین با آن مواجه هستند و از آنجا که در مورد تعریف این واژه‌ها اختلاف نظر زیادی وجود دارد بنابراین ارائه تعریف جامع و متقن از آنها اولین وظیفه محققین و دانش پژوهان می‌باشد. متأسفانه در روابط سیاسی و اجتماعی به ویژه در درگیری‌های سیاسی میان احزاب و جناح‌ها بازی کردن با واژه‌ها و اصطلاحات یکی از شیوه‌ها و ترفندهایی است که در حقیقت موجب گمراهی مردم و جامعه می‌گردد ولی فرهیختگان و اندیشمندان بدون تعریف دقیق از اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده کار خود را آغاز نمی‌کنند.

از دوم خرداد ۱۳۶۷ در صحنه روابط سیاسی، اجتماعی کشور ما اغلب واژه‌های جدیدی بدون آنکه تعریف دقیقی از آنها ارائه شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. واژه‌هایی همچون جامعه مدنی، آزادی، دین، توسعه سیاسی و... در همه جا و در اغلب سخنرانی‌ها و مقالات به گوش می‌خورند و همواره آشوبی دوباره را دامن می‌زنند عده‌ای در اصالت دین و تبعیت آزادی از آن سخن می‌رانند و دیگران برعکس در اصالت آزادی و تبعیت دین و چنان این بحث‌ها رواج می‌یابد که حتی رئیس جمهور منتخب مردم نیز خود را موظف به صحبت درباره آن دانسته می‌فرماید: اگر دین هم با آزادی در بیفتد شکست خواهد خورد.<sup>۱</sup>

آنچه روشن نیست تعریفی دقیق از هر دو واژه است. در جامعه‌ای که اکثریت مردم آن مسلمان و پیرو آئین مبین اسلامند و بخش عظیمی از آنها پیرو مکتب تشیع می‌باشند لازم است هنگامی که از دین یاد می‌کنیم موارد زیر را روشن نماییم.

- مقصود ما کدام دین است؟ آیا در مورد همه ادیان منجمله اسلام و وجوه مشترک آنها صحبت می‌کنیم یا صرفاً مقصود ما دین اسلام و مکتب تشیع می‌باشد؟

- آزادی را هم همانند دین باید تعریف نمود. آیا منظور آزادی تعریف شده در فرهنگ غربی است که مورد نظر پوپر و هم‌اندیشان اوست؟ یا مفهوم از آزادی مطرح شده در جامعه امروز ما آزادی مورد نظر دین اسلام است؟

---

<sup>۱</sup> سخنرانی آقای خاتمی، رئیس جمهور در دانشگاه تهران در دوم خرداد ۱۳۷۷

- آیا آزادی را دین تعیین می کند یا دین را آزادی؟ اگر قبول داشته باشیم ادیان الهی و بالخصوص دین اسلام برای سعادت بشر نازل شده است و خداوند چیزی را ناقص و نیمه تمام نگذاشته است بطور طبیعی آزادی را هم باید در قالب دین تعریف نمود و حدود و ثغور آن را تعیین کرد. اسلام که همه ما را دعوت به بندگی خالق یکتا نموده و کرامت انسانی را اساس خلقت او قرار داده است برای رسیدن به این کرامت و سعادت انسانی دستوراتی دارد که لازمه اجرای آن دستورات برخی آزادی هارا مانند بی بند و باری رایج در غرب محدود می کند.

و شاید حادثه تاریخی روزهای اول انقلاب ما را برای پاسخ دادن به سئوالات فوق یاری کند. آن زمان که امام فرمودند: «من به جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد رأی می دهم» سعی داشتند مردم را متوجه این نکته کنند که چنانچه بپذیریم کلمه دموکراتیک را اضافه بر جمهوری اسلامی مطرح کنیم نشان دهنده این است که اسلام در درون خود آزادی و دموکراسی ندارد به عبارت دیگر از نظر امام خمینی این دین الهی است که حدود و ثغور آزادی را تعیین و تعریف نموده به خودی خود آزادی جز لاینفک دین قرار خواهد گرفت. در این صورت نه تقابلی میان دین و آزادی خواهد بود و نه ضرورتی برای ایجاد هماهنگی و تفاهم میان آن دو بلکه چون آزادی جزئی از دین و آئین الهی قرار می گیرد حفظش عین دینداری و احترام به مبانی دینی خواهد بود و برخورد با آن و یا نادیده گرفتنش امری غیر دینی و غیر شرعی و غیر مجاز می باشد.

بنابراین انتظار می رود از کسانی که در فضای جامعه ایران اسلامی زندگی می کنند و سعی دارند یا از دین و یا از آزادی دفاع کنند ابتدا این دو واژه را تعریف نموده سپس بر اساس آن تعاریف موضعگیری نمایند و به جای اینکه بر اساس منافع گروهی و جناحی هریک این دو واژه را به زعم خود معنا نموده و فضای جامعه را تیره و متشتت نمایند. با تعریف مشترک از هر دو واژه موجبات ارتقاء و تعالی جامعه را فراهم نمایند که در جهت انجام این امر از بزرگان جامعه همچون رئیس جمهور محترم که خود در لباس شریف روحانیت بوده و همچنین از این دو واژه نیز به تواتر استفاده می نمایند انتظار می رود با ارائه یک تعریف روشن و شفاف به این غائله خاتمه دهند.